

در آمدی بر مهبوریت قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر مؤمنی*

اشاره

قرآن کریم، جامع ترین کتاب آسمانی و معجزه جاودان رسول گرامی اسلام ﷺ است که از سوی خداوند برای هدایت بشر فرود آمده است؛ هدیه ای آسمانی که هیچ گونه تحریف و تغییری در آن رخ نداده و خدای متعال، خود پاس داری از آن را عهده دار شده است؛ کتابی بی همتا که اگر تمام جهانیان گرد هم آیند، نخواهند توانست متنی همانند آن را پدید آورند؛ هدیه ارزشمند و منحصر به فردی که آخرین پیامبر خدا ﷺ آن را برای رهنمون شدن بشر از تاریکی شقاوت به نور سعادت، به ارمغان آورد.

با این همه، انتظار آن بود که امت اسلام با اهتمام ویژه، کتاب خدا را فرا گرفته و با تمسک به آن در عرصه های گوناگون فردی و اجتماعی، راه کمال انسانی را بپیمایند و بدین سان، زمینه ایجاد جامعه قرآنی را فراهم سازند؛ جامعه ای که در آن هر یک از گفتار و رفتار مردم، جلوه ای از آیات خدا باشد؛ اما مسلم است که رویکرد مسلمانان به قرآن، شایسته کتاب خدا نبوده و هنوز قرآن جایگاه حقیقی خویش را در میان امت

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان.

اسلام باز نیافته و بدین جهت، آنچه انتظار می‌رفت، محقق نگشت. از همین رو است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به درگاه خداوند از امت خویش شکوه نموده است؛ چنان‌که قرآن کریم فرموده: «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»^۱ در این مقاله، برآنیم تا ابعاد مهجوریت قرآن و راه‌کارهای مهجوریت‌زدایی از این کتاب انسان‌ساز را مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم مهجوریت

«هَجَرَ، يَهْجُرُ» با مصدر «هَجَرَ» یا «هَجِرَان»، در مفردات راغب چنین معنا شده است: «مفارقة الانسان غيره اما بالبدن أو باللسان أو بالقلب»^۲ دوری کردن انسان از دیگری با بدن، زبان یا قلب. بنابراین، اگر خدای متعال در آیه مذکور از این فعل استفاده کرده بود، معنای آن چنین می‌شد: «... قرآن را ترک کردند».

ولی کلمه «اتَّخَذَ» که به معنای اخذ (به دست آوردن و گرفتن) است، وقتی با کلمه «مهجوراً» به کار می‌رود، معنای جدیدی را القا می‌کند که غیر از معنای مهجور نمودن قرآن است؛ زیرا استفاده از فعل «اتَّخَذُوا» (گرفتند، تحصیل کردند با به دست آوردند)، نوعی توجه به مفعول و دست یافتن به آن را القا می‌کند. افزون بر آن، برخی از لغت‌دانان نیز «هَجَرَ» را به معنای «ترک گفتن چیزی همراه با وجود نوعی ارتباط با آن» معنا نموده‌اند.^۳

در آیه سی‌ام سوره فرقان، کلمه «اتَّخَذُوا» بیانگر این نکته است که اتفاقاً امت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه تنها قرآن را وانهادند و ترک نگفته‌اند، بلکه آن را در اختیار گرفته و به آن دست یافته‌اند؛ ولی تمام مسأله این است که این به دست آوردن و در اختیار گرفتن

۱. فرقان، آیه ۳۰.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داود، بیروت: دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق، ص ۵۱۴.

۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ش، ج ۱۱، ص ۲۴۰.

قرآن، چون به همراه عدم درک صحیح و شناخت اصولی و استفاده شایسته و بایسته از آن است، موجب شده که قرآن در واقع، مهجور و متروک بماند. بنابراین، معنای صحیح «اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا» این است که «قرآن را به مهجوریت گرفتند».

«مهجور کردن» با «به مهجوریت گرفتن»، تفاوت ظریفی دارد؛ در اولی (مهجور کردن)، فعل، صریح و آشکار صورت می‌گیرد و فاعل نیز ترس و ابایی ندارد که فعل را صریح و بی‌پرده انجام دهد و دیگران نیز به واقعیت فعل وی پی ببرند؛ در حالی که در دومی (به مهجوریت گرفتن)، فاعل به هر علتی - حتی جهل - به‌صراحت به انجام فعل مبادرت نمی‌ورزد؛ بلکه آن را در پرده‌ای از خفا و پوشش انجام می‌دهد؛ به گونه‌ای که در ابتدا نمی‌توان به واقعیت فعل وی پی برد و شاید در ابتدا، عکس آن هم به نظر برسد.

مهجور کردن قرآن، یعنی روی گردانی و دوری از آن، در حالی که مهجور گرفتن قرآن، یعنی پرداختن به قرآن، ولی به گونه‌ای که اگر چه در ظاهر، بوی توجه و استفاده از قرآن به مشام می‌رسد، ولی در واقع، قرآن ترک شده و بیگانه مانده است.^۱

ابعاد مهجوریت

حقیقت آن است که قرآن برای هدایت و انسان‌سازی نازل شده و به مقتضای آسمانی و الهی بودنش، شایسته احترام و تکریم است. از این رو، هر گونه توجه و تعامل مثبت با کلام خدا، مانند: تلاوت، استماع یا حفظ، که به منظور شناخت کلام وحی و ارتباط سازنده با آن صورت می‌گیرد، پسندیده و موجب پاداش است؛ هر چند انتظار می‌رود که این روی کردها، همگی به عمل صالح منجر شود تا مقصود قرآن تحقق یابد؛ البته هر یک از روی کردهای یادشده، فی‌نفسه دارای اهمیت و ارزش است و به آنها، پاداش تعلق می‌گیرد؛ زیرا بدون آنها دست‌یابی به گوهرهای ناب قرآن امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، مهجوریت قرآن در روی کردها و ابعاد مختلف ذیل قابل بررسی است:

۱. ر.ک: غفاری، مهدی، «مهجوریت قرآن»، بینات، ش ۳۰.

۱. مهجوریت در تلاوت

مهجوریت قرآن در تلاوت، در دو بُعد «تلاوت نکردن» و «رعایت نمودن آداب تلاوت» مورد بحث قرار می‌گیرد:

تردیدی نیست که دسترسی به قرآن، آسان است و شاید کمتر مکانی را بتوان یافت که در آن، قرآن کریم موجود نباشد؛ اما با این حال، اندک‌افرادی در برنامه زندگی خود زمانی را به تلاوت و انس با قرآن اختصاص می‌دهند و با وجود تأکید فراوان قرآن و سفارش پیشوایان دین درباره تلاوت، بسیاری از مردم از نعمت تلاوت و آثار ارزشمند آن بی‌بهره‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید: «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۱ آنچه برای شما امکان‌پذیر است، قرآن بخوانید.»

این آیه شریفه، همگان را به قرائت قرآن فراخوانده است؛ زیرا قرآن، نور الهی است و خواندن آیات آن، حتی بدون درک معانی‌اش، عبادت است. پیشوایان و الگوهای دینی ما، همواره با قرآن مأنوس بوده و از همنشینی با آن لذت می‌بردند و به تلاوت و انس با قرآن نیز سفارش نموده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قرآن، عهدنامه خدا برای مردم است. شایسته است که مسلمان به آن عهدنامه نگاه کند و در هر روز پنجاه آیه از آن را بخواند.»^۲

آیت‌الله مرعشی رحمته الله علیه با قرآن انس و ممارست همیشگی داشتند و از هر فرصتی برای تلاوت قرآن مجید و تفکر در آیات الهی استفاده می‌کردند؛ چنان‌که بر اثر این توجه و تمرین، نیمی از قرآن را حفظ بودند؛ به‌ویژه این‌که ایشان شیوه نیکویی داشتند و آن، تلاوت قرآن پیش از خواب شبانه‌گاهی و پس از بیدار شدن از خواب بود؛ به این ترتیب که شب‌ها قبل از استراحت، حتماً آیاتی از قرآن را تلاوت می‌کردند. همچنین پس از آن‌که در نیمه‌های شب و سحرگاهان به نماز شب می‌ایستادند، تا اذان صبح به راز و

۱. مزمل، آیه ۲۰.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ

چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۰۹.

نیاز و عبادات می‌پرداختند. سپس نماز صبح را به جا می‌آوردند. بعد با صدای بلند و آهنگین که خود سنت حسنه‌ای میان مسلمانان است، قرآن را تلاوت می‌کردند. در حقیقت، آغاز و انجام کارهای شان با یاد خدا و تلاوت آیات الهی بود و هیچ‌گاه این سنت مبارک را ترک نکردند.^۱

برای آن‌که از تلاوت قرآن بهره کافی برده شود و قاری به هدف قرآن هدایت شود، باید آداب و شرایط تلاوت و حق تلاوت آن، به بهترین وجه رعایت شود.

غزالی می‌گوید:

«خداوند متعال در تورات می‌فرماید: ای بنده من! آیا شرم نمی‌کنی از این‌که اگر نامه برادری به دست تو رسد، در حالی که تو در راه باشی، بایستی یا بنشیننی و یکایک کلمات آن را با دقت و تأنی بخوانی؛ در حالی که کتابی که من برای تو فرستاده‌ام تا آن را با تأمل بخوانی و دستورات آن را به کار بندی، از آن اعراض می‌کنی (و آن را نمی‌خوانی) و به کار نمی‌بندی و اگر بخوانی، در آن تأمل و دقت نمی‌نمایی.»^۲

تلاوت‌کننده قرآن باید حق تلاوت آیات را به جا آورد: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۳ کسانی که کتاب [آسمانی] را به آنان داده‌ایم [و] آن را چنان‌که باید می‌خوانند، ایشان‌اند که بدان ایمان دارند؛ و [لی] کسانی که بدان کفر می‌ورزند، همانان‌اند که زیانکاران هستند.»

امام صادق علیه السلام درباره کسانی که حق تلاوت آیات را رعایت می‌نمایند، می‌فرماید: «آیات آن را صحیح می‌خوانند، در معانی آن دقت می‌کنند و به احکام آن عمل می‌نمایند، به وعده‌های آن امیدوارند و از وعیدهای آن می‌ترسند، از داستان‌های آن عبرت می‌گیرند، به اوامرش گردن می‌نهند و نواهی آن را مرتکب نمی‌شوند. به خدا قسم! منظور حفظ کردن آیات و خواندن حروف و تلاوت سوره‌ها، یاد گرفتن اعشار و اخماس^۴ آن نیست.»^۵

۱. مجله بشارت، ش ۳، ص ۳۶.

۲. غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. بقره، آیه ۱۲۱.

۴. منظور از «اعشار» و «اخماس»، تقسیماتی است که برای قرآن صورت می‌گیرد؛ مانند جزء یا حزب.

۵. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۷۸.

۲. مهجوریت در استماع

قرآن، کتابی است که آیات آن را باید شنید و در آن اندیشه کرد و به کار بست. آنان که ارزش سخنان خدا را می‌دانند، در هنگام شنیدن قرآن، با گوش جان به آن گوش می‌سپارند؛ چرا که قرآن کریم، خود ضرورت استماع و لزوم سکوت را یادآور شده و آن را شرط بهره‌مندی از رحمت الهی دانسته است.

خداوند متعال از هر گونه سخن گفتن در وقت تلاوت نهی فرموده است: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱ هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «از شنونده قرآن، شر دنیا رفع گردد و از خواننده قرآن، گرفتاری آخرت دور گردد و کسی که یک آیه قرآن گوش دهد، برای او بهتر است از کوه «ثبیر»^۲ که طلا باشد.»^۳

چنانچه در مقام سخن گفتن باشیم و شنونده و مخاطب ما، مشغول گفت‌وگو با دیگران باشد و به سخنانمان بی‌اعتنایی کند و یا از ما روی برگرداند، آیا آن را بی‌احترامی و حتی توهین تلقی نمی‌کنیم؟ چه بسیار در مجالس ما مسلمانان، قرآن خوانده می‌شود؛ در حالی که شنوندگان، مشغول خوردن میوه و چای یا شربت می‌باشند و با یکدیگر به گفت‌وگو می‌پردازند.

اگر باور داشته باشیم که قرآن، کلام خدا است و خداوند در آن با ما سخن گفته است و خود را مخاطب آن قرار دهیم، هنگامی که آیات آن به گوش ما می‌رسد، به یقین بدون پرداختن به عملی که منافی با گوش سپردن باشد، آن را با گوش جان خواهیم شنید.

۱. اعراف، آیه ۲۰۴.

۲. کوه معروفی است در مکه. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، مصحح: جمال‌الدین میر دامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۰۰.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۲۹۰.

۳. مهجوریت در حفظ

هم‌زمان با نزول آیات نورانی قرآن، اسلام‌باوران آغازین، با سرمشق قرار دادن دستورعمل‌های رسول گرامی اسلام ﷺ اشتیاق فوق‌العاده‌ای نسبت به حفظ قرآن از خود نشان دادند. حافظان قرآن از سوی پیامبر اکرم ﷺ همواره تشویق می‌شدند و در جامعه نیز از جایگاه بلندی برخوردار بودند. آنان تنها به حفظ آیات اکتفا ننموده و عمل به آیات را سرلوحه برنامه زندگی خود قرار داده بودند. بدین جهت، هر یک از حافظان قرآن، مبلغی توانا و اسلام‌شناسی برجسته به شمار می‌آمدند. اعزام آن‌ها به سرزمین‌های اسلامی از سوی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان معلم قرآن و مبلغ احکام و معارف اسلام، گواه روشنی بر این مطلب می‌باشد.

در کشور ما هر چند پس از انقلاب اسلامی، گام‌های مؤثری در جهت ترویج فرهنگ حفظ قرآن برداشت شده و روزنه نویدبخشی به وجود آمده است و اقبال مردم نسبت به حفظ قرآن رو به افزایش و امیدوارکننده است، ولی با این همه، درصد بسیار کمی از هموطنان ما مفتخر به حفظ آیات الهی شده‌اند. از این رو، باید سیاست‌گذاری نسبت به تشویق به حفظ قرآن در مراکز علمی و آموزشی به‌ویژه در آموزش و پرورش، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.

درمندان باید گفت که فرصت‌های ارزشمندی صرف حفظ مطالب و اطلاعاتی می‌شود که نه دردی از دنیایمان را درمان می‌کند و نه مشکلی از مشکلات آخرت‌مان را بر طرف می‌سازد. چه بسیارند جوانان و افرادی که حجم وسیعی از اطلاعات مربوط به بازیکنان تیم‌های مختلف داخلی و خارجی فوتبال را در ذهن خود جای می‌دهند، تعداد بازی‌های یک بازیکن، تعداد تیم‌هایی که با آن‌ها قرارداد منعقد کرده یا تعداد گل‌های زده و خورده آن تیم، همه را به‌خوبی حفظ می‌نمایند و درباره آن‌ها به بحث می‌نشینند و ساعت‌ها وقت خود را صرف آن می‌نمایند؛ اما از قرآن کمترین اطلاعاتی ندارد. در نظر ایشان، حفظ اطلاعات مربوط به بازیگران و ستاره‌های سینمایی و تلاش برای آشنایی با آنان، به منظور الگوپذیری، بسیار مهم‌تر از شناخت کتاب خدا و حفظ آیات آن می‌باشد.

بی‌شک، تربیت حافظان قرآن و برنامه‌ریزی برای ترویج فرهنگ حفظ، امنیت، سلامت روانی، کاهش فحشا و منکرات را در کشور به ارمغان خواهد آورد؛ زیرا دلی که جایگاه قرآن شود، نه تنها گرد گناه نمی‌چرخد، بلکه شعاع تأثیر آن اطرافیان را هم پوشش خواهد داد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «قرآن را بخوانید و آن را حفظ کنید که خداوند دلی را که قرآن را حفظ کند، عذاب نمی‌کند.»^۱

حافظ قرآن در پیشگاه خداوند متعال از مقامی برخوردار است که در قیامت به وی اجازه شفاعت نیز داده می‌شود. در روایتی از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم: «کسی که قرآن را حفظ کند و حلالش را حلال و حرامش را حرام بداند، خداوند او را به بهشت می‌برد و شفاعت او را در باره ده نفر از خاندانش که آتش دوزخ به آن‌ها واجب گشته است، می‌پذیرد.»^۲

۴. مهجوریت در تدبّر

مؤمنان راستین و پرهیزکاران واقعی، تلاوت را با تدبّر همراه نموده و بدین‌سان، از سفره رنگین الهی بهره‌مند می‌شوند. حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اشتیاق آنان را چنین توصیف می‌فرماید: «پرهیزکاران در شب بر پا ایستاده، مشغول نمازند. قرآن را جزء جزء و با تفکر و اندیشه می‌خوانند. با قرآن جان خود را محزون نموده و داروی درد خود را می‌یابند و هرگاه به آیه‌ای می‌رسند که ترس از خدا در آن باشد، گوش دل به آن می‌سپارند و گویا صدای بر هم خوردن شعله‌های آتش، در گوش‌شان طنین افکن است.»^۳

قرآن، کتاب تدبّر است و تلاوت بدون تدبّر، نمی‌تواند انسان را به اهداف قرآن رهنمون شود و دست‌یابی به گوهرهای ناب و ارزشمند اقیانوس قرآن، بدون غواصی و اندیشه‌ورزی در آن ممکن نیست. در حقیقت، قرآن کریم برای تدبّر و تفکر در آیاتش نازل شده است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا^۴؛ این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند.»

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۹، ص ۲۰.

۲. همان.

۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، ۱۳۷۹ش، خطبه ۱۹۳، ص ۴۰۳.

۴. ص، آیه ۲۹.

تدبّر و اندیشه در آیات قرآن، راه شناخت و زمینه درک مفاهیم کتاب خدا را فراهم می‌سازد. قرآن کریم به گونه‌ای نازل شده است که همگان بتوانند در آن تدبّر نموده و از آن بهره‌مند شوند؛ «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ! ما قرآن را برای تذکر، آسان ساختیم. آیا کسی هست که متذکر شود؟»

قرآن کریم، برای هدایت بشر نازل شده است و برای دستیابی به گنجینه‌های ارزشمند آن، باید خود را مخاطب آیات الهی قرار داد و درباره آن به تفکر و اندیشه پرداخت. قرآن، کسانی را که در آیات خدا تدبّر نمی‌کنند، مورد سرزنش قرار داده و می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟^۱ آیا آن‌ها در قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌های شان قفل نهاده شده است؟»

شیخ سلیمان ندوی (شیخ الاسلام پاکستان) می‌گوید:

«روزی در اوج شهرت اقبال لاهوری، او را در شهر لاهور ملاقات کردم. به او گفتم: بسیار شگفت‌آور است که من و امثال من که عمری را به تحصیل در علوم مذهبی گذرانده‌ایم، هیچ‌کدام نتوانسته‌ایم به اندازه شما در معارف اسلامی و تأثیر آن در افکار مردم، مؤثر باشیم. راز موفقیت شما در چیست؟»

اقبال در پاسخ گفت: اگر به زعم شما توانسته باشم در این باره موفق شوم، شاید مؤثرترین عامل ذهنی و فکری من، مولود این خاطره باشد که در نتیجه توصیه و تشویق پدرم، قرآن را زیاد مطالعه می‌کردم. روزی هنگام صبح که مشغول تلاوت قرآن بودم، پدرم از جلوی اتاق من عبور کرد و مرا در همان حال دید. آن‌گاه پرسید: اقبال! چه می‌خوانی؟ گفتم: «قرآن می‌خوانم.» گفت: «بسیار خوب! لیکن دلم می‌خواهد قرآن را آن‌چنان بخوانی که گویا قرآن بر تو نازل شده است و خدا دارد با تو سخن می‌گوید!» این توصیه پدرم، در من اثر تازه‌ای گذاشت. از آن پس، قرآن را به روش مورد نظر او تلاوت می‌کردم. بنابراین، اگر اثری در نشر معارف اسلامی از من به جای مانده است، مولود همان توصیه است.»^۲

۱. قمر، آیه ۲۲.

۲. محمد، آیه ۲۳.

۳. دیلمی، علی‌اکبر، انس با قرآن، قم: مؤسسه انتشارات حرم، چاپ چهارم، ۱۳۸۹ش، ص ۴۲.

اقبال، قرآن را همیشه با لحن جالب و دل‌کش قرائت می‌نمود و در آن حال، گریه می‌کرد؛ حتی او را قاصد مصحف نیز از اشک‌های او تر می‌شد. در حال حاضر، همان نسخه قرآن که اقبال آن را تلاوت می‌کرد، در کتابخانه اسلامی کالج لاهور نگهداری می‌شود. اقبال، طی نامه‌ای به خواهرش نوشت:

«هنگامی که نگاهی به زندگی گذشته‌ام می‌کنم، بسیار متأسف می‌شوم که چرا قسمت عمده عمرم را در مطالعات فلسفه اروپا تلف کردم. خدا به من نیروی فکری اعطا کرده بود. اگر این نیرو در مطالعه و تحقیق علوم دینی صرف می‌شد، لااقل خدمتی به دین اسلام انجام می‌دادم.» آخرین کتاب اقبال لاهوری، «حواشی قرآن مجید» نام دارد که به زبان انگلیسی نگاشته است.^۱

توجه بیش از حد به الفاظ و عبارات قرآن، تلاش برای به پایان رسانیدن سوره‌های قرآن، عدم اهتمام به درک آموزه‌های قرآن در هنگام تلاوت و بی‌توجهی به ترویج فرهنگ تدبّر در مراکز علمی و آموزشی، از نمونه‌های آشکار مهجوریت تدبّر در قرآن می‌باشد.

۵. مهجوریت در تفسیر

انجام هر عملی، نیازمند شناخت آن است و بدون شناخت، دست‌یابی به عمل یا ممکن نیست، یا کورکورانه است. قرآن، کتاب زندگی و عمل است و قبل از عمل، باید آن را شناخت. تفسیر قرآن، شناخت ما را نسبت به آیات الهی افزایش داده و این نقش را می‌تواند به خوبی ایفا نماید.

پس از نزول قرآن، از صدر اسلام تا کنون مفسران گران‌قدر نسبت به تفسیر قرآن اهتمام ورزیده و قرآن کریم را از جنبه‌های مختلف تفسیر نمودند که بسیاری از کتب تفسیری گذشتگان، به دست ما رسیده است؛ البته در نگارش تفاسیر، همواره مقتضای زمان مورد توجه مفسران بوده است و به همین جهت، ممکن است تفاسیری که در گذشته نوشته

۱. شهیدی، سید جعفر و حکیمی، محمدرضا، یادنامه علامه امینی، مقاله «قرآن و اقبال»، تهران: مؤسسه انجام کتاب،

شده است، در تمامی عرصہ‌های زندگی، پاسخ‌گوی امروز نباشد. با توجه به این‌که قرآن برای همه زمان‌ها نازل شده و جهان نیز همواره آبستن حوادث و تحولات جدیدی است، نگارش تفاسیر روزآمد توسط مفسران و علمای اسلام، ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید.

از نگارش تفاسیر که بگذریم، روی‌کرد خواص و عوام و جوامع علمی به تفسیر قرآن، در گذشته و نیز در روزگار حاضر، چندان رضایت‌بخش نبوده و نیست؛ به عنوان مثال، از دیرباز در نظام آموزشی حوزه‌های علمیه، درس «فقه» و «اصول فقه» در جایگاه نخست قرار داشته؛ اما دروسی مانند «تفسیر قرآن»، فرعی و جنبی به شمار آمده است.

مرحوم آیت‌الله شهید صدر^{علیہ السلام} از مراجع نامدار عصر خویش در حوزه علمیه نجف، همانند سایر مراجع دینی درس خارج فقه را تدریس می‌نمود؛ اما یک باره این درس را تعطیل نمود و به جای آن تفسیر قرآن را شروع کرد. این موضوع، تعجب طلاب و فضلاء نجف را برانگیخت؛ چون در حوزه علمیه نجف، بسیار بعید به نظر می‌رسید که یک مرجع تقلید به جای فقه، تفسیر قرآن تدریس کند.

هنگامی که یکی از شاگردانش پرسید: استاد! چرا مرجعی مانند شما، باید درس فقه را رها کند و تفسیر قرآن بگوید؟ ایشان در پاسخ گفت: «برای من، تدریس و تألیف، حرفه و هدف زندگی نیست؛ من، ادای وظیفه شرعی خود را امروز در این می‌بینم که با تفسیر قرآن افکار مردم مسلمان عراق را آگاه‌کنم و آرمان‌های انقلابی اسلام را مطرح سازم و دل‌ها را برای پیوستن به انقلاب ایران آماده‌نمایم. این امر مهم را با تدریس فقه نمی‌توان به‌شایستگی انجام داد؛ بلکه باید با قرآن پای به این صحنه نهاد.»^۱

مقام معظم رهبری معتقدند: «در عین حال که فقاہت، اساس امر است، نباید از دیگر علوم اسلامی، در حوزه‌ها غفلت بشود؛ مثلاً می‌بایست علم قرآن، شناسایی قرآن، فهم قرآن و انس با قرآن، به عنوان یک علم و یک رشته در حوزه‌ها وجود داشته باشد.»^۲

۱. عابدی، محمد، پیکار با منکر در سیره ابرار، قم: معروف، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۲۰۴.

۲. حدیث ولایت (مجموعه سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب)، ج ۸، ص ۶۴.

با تلاش بزرگانی چون علامه طباطبایی رحمته‌الله که خدمات قابل توجهی به حوزه‌های علمیه ارائه نمود و آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشت و نیز با همت شاگردان علامه و عده‌ای دیگر از علما، امروز بازگشت به تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه مورد توجه واقع شده است؛ هر چند تا رسیدن به وضع مطلوب و شایسته، راه بسیاری باید طی شود. چنانچه نگاهی به سایر مراکز علمی بیفکنیم، خواهیم دید که تشکیل کلاس‌های تفسیر در برخی از مراکز علمی و برگزاری مسابقات تفسیر در سال‌های اخیر، رونق گرفته و این امر، گامی هر چند کوچک در جهت توجه به تفسیر قرآن و مهجوریت‌زدایی از آن به شمار می‌آید؛ اما بی‌شک، تا زمانی که تفسیر قرآن در دانشگاه‌ها از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نشود، تا وقتی که تفسیر قرآن در حوزه‌های علمیه به عنوان درس جنبی در کنار دروس اصلی قرار می‌گیرد، تا آن هنگام که خطبا و سخنرانان، تفسیر قرآن را سرلوحه سخنان خویش قرار ندهند، تا زمانی که آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن، به عنوان کتاب درسی، در نظام آموزش و پرورش کشور جایگاهی نداشته باشد، و تا روزی که جلسات تفسیری در جامعه فراگیر نشده باشد، قرآن و تفسیر آن، در مهجوریت قرار دارد.

۶. مهجوریت در عمل

تمام مراحل و مراتب ارتباط با قرآن، اعم از آموزش قرائت، تدبر، انس و آشنایی با معارف الهی قرآن، مقدمه‌ای برای عمل کردن است. اگر قرآن در عمل و رفتار و گفتار و شخصیت انسان و جامعه تجلی نیابد و ظهور و بروز پیدا نکند، هرگز به قرآنی شدن انسان و جامعه نخواهد انجامید. عمل به قرآن است که جان‌ها را منقلب و جوامع را تعالی می‌بخشد. به قول علامه اقبال لاهوری:

نقشه‌های پاپ و کاهن را شکست	نقش قرآن چون که بر عالم نشست
این کتابی نیست، چیزی دیگر است	فاش گویم آنچه در دل مضمّر است
جان که دیگر شد جهان دیگر شود ^۱	چون که در جان رفت جان دیگر شود

۱. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی، انتشارات اقبال، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

اکتفا به آموزش، تعلیم و قرائت، تدبر و شناخت مفاهیم قرآنی و برگزاری جشنواره و نمایشگاه‌ها، فقط می‌تواند ظاهر و نام قرآن را از مهجوریت و غربت برهاند، در حالی که مهجوریت و غربت اصلی، عمل نکردن و پیاده نشدن فرامین و اهداف قرآنی در رفتار و کردار مردم جامعه است.^۱

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای انزوای قرآن را چنین توصیف می‌نماید: «از وقتی که قدرت‌های مسلط بر جوامع اسلامی، از ارزش‌های اسلامی، تهی‌دست و بیگانه شدند و قرآن را که ناطق به حق و فرقان حق و باطل بود، مزاحم خود یافتند، تلاش برای بیرون راندن کلام خدا از صحنه زندگی آغاز شد و به دنبال آن، جدایی از این زندگی اجتماعی و تفکیک دنیا از آخرت و تقابل دین‌داران واقعی با دنیاطلبان قدرت‌مند به وجود آمد. اسلام از منصب اداره عرصه‌های زندگی جوامع مسلمان پایین کشیده شد و به مساجد و معابد و خانه‌ها و کنج دل‌ها اختصاص یافت و جدایی خسارت‌بار بلندمدت دین از زندگی پدید آمد.

امروز نگاهی به صحنه زندگی مسلمانان بیفکنید، ببینید قرآن در کجا است؟ در دستگاه‌های حکومت، در نظام‌های اقتصادی، در تنظیم روابط و مناسبات مردم با یکدیگر، در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها، در سیاست خارجی و روابط با دولت‌ها، در تقسیم ثروت‌های ملی میان قشرهای مردم، در خلق و خوی مدیران جوامع اسلامی و همه قشرهای ملت‌ها که کم یا بیش از آنان تأثیر می‌پذیرند، در رفتار فردی حکام اسلامی، در روابط زن و مرد، در خوراک و پوشاک، در کدام جلوه اصلی زندگی؟ در کاخ‌ها، در سپرده‌ها و اندوخته‌های بانکی، در معاشرت‌ها، در کجای حرکت عمومی و اجتماعی انسان‌ها؟ ... سید جمال صد سال پیش از این می‌گریست و می‌گریاند که قرآن مخصوص هدیه دادن و زینت کردن و خواندن بر مقبره‌ها و نهادن بر طاچه‌ها است؟ در این صد سال چه تغییری حاصل شده است؟ آیا وضع قرآن برای امت قرآن‌نگران کننده نیست؟»^۲

۱. مجله گلستان، مقاله «بازگشت به کتاب وحی»، ش ۱۶۷، ص ۷.

۲. پیام آیت‌الله خامنه‌ای در زمان ریاست جمهوری به کنفرانس اندیشه اسلامی، بهمن‌ماه ۶۴، به نقل از: قرآن در آینه اندیشه‌ها.

نقل شده است، شخصی در گورستان، بر سر قبری نشسته بود و قرآن می‌خواند. جهانگردی از آن‌جا عبور می‌کرد، از مترجم خود پرسید: این مرد چه می‌کند؟ گفت: قرآن می‌خواند. پرسید: قرآن چیست؟ جواب داد: قرآن، کتاب مقدس مسلمانان و کتاب قانون و دستورات است. جهانگرد تعجب کرد و پرسید: کلماتی که او می‌خواند، به چه معنا است؟ مترجم گفت: او می‌خواند: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ...»^۱؛ «ای بر کم‌فروشان». جهانگرد پرسید: مگر در شهر شما مرده‌ها در زیر خاک خرید و فروش می‌کنند که می‌خوانید: «ای به حال شما اگر کم بفروشید!»^۲

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه‌السلام در مقدمه وصیت‌نامه خویش قرآن را بزرگ‌ترین نسخه زندگی و نجات‌دهنده انسان دانسته و بر این نکته تأکید دارد که باید حقایق قرآنی را از گورستان‌ها نجات داد:

«ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن، مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی که سراسر آن از وحدت بین مسلمین، بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند، نجات دهد.»^۳

قرآن کریم هدف از نزول خود را، عمل به فرامین و دستورات آن می‌داند و از مخاطب خویش انتظار پیروی دارد: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ»^۴
امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَدَخَلَ النَّارَ فَهُوَ كَأَنَّ مِمَّنْ يَتَّخِذُ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا»^۵؛ کسی که قرآن بخواند و بعد از مرگ، وارد آتش جهنم شود، پس از کسانی بوده است که آیات الهی را به تمسخر گرفته است.»

۱. مطففین، آیه ۱. در ادامه این آیه می‌خوانیم: «کسانی که وقتی از مردم چیزی می‌خرند، زیاد می‌گیرند و موقعی که به مردم متاعی می‌فروشند، کمتر می‌دهند.»

۲. صالحی حاجی‌آبادی، نعمت‌الله، تأثیر قرآن در جسم و جان، قم: مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۹ش، ص ۱۳۷.

۳. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی علیه‌السلام، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ص ۳.

۴. انعام، آیه ۱۵۵.

۵. شریف رضی، نهج البلاغه، پیشین، حکمت ۲۲۸.

ابن ابی‌الحدید در ذیل این سخن حضرت می‌نویسد: «شاید مقصود امام از استهزاکننده آیات الهی، کسی است که به نزول قرآن از جانب خداوند معتقد است؛ اما به واجبات آن عمل نمی‌کند؛ چنان‌که بسیاری از مردم در روزگار ما، چنین‌اند.»^۱

امید است که این سخن امام علی علیه السلام را همواره آویزه گوش‌مان قرار دهیم که در واپسین لحظه‌های زندگی خود فرمود: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ»^۲ خدا را! خدا را! در باره قرآن، مبدا دیگران در عمل کردن به دستوراتش از شما پیشی گیرند.»

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۵۳.

۲. شریف رضی، نهج البلاغه، پیشین، نامه ۴۷؛ کلینی، اصول کافی، پیشین، ج ۷، ص ۵۱.